

تأثیر «راهبردهای توسعه» بر روی «سیستم روابط صنعتی» و «قانون کار» کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه*

محمد مهدی مظفری^۱

چکیده

پدیده جهانی شدن و جهانی سازی همراه با بعضی عوامل دیگر نظیر تکنولوژی اطلاعات...ساختار سازمان‌ها، سازمان کار، فرایند تولید و سیستم روابط صنعتی (روابط کار) کشورهای مختلف جهان را تحت تأثیر قرار داده است. کشورهای آسیایی و اقیانوسیه نیز از این تأثیر بی نصیب نبوده‌اند. بعضی از تئورسین‌های روابط کار، در پاره‌ای از کشورهای منطقه عقیده داشته‌اند که از طریق گسترش عدالت اجتماعی در تنظیم قانون کار حمایتی (حمایت از کارگر) می‌توان توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه را تضمین و تأمین نمود. بعضی دیگر از کشورهای منطقه، بر این عقیده‌اند که عدالت اجتماعی از طریق رشد و توسعه مداوم اقتصادی که اشتغال‌زاست و بیکاری را از بین می‌برد و رفاه ایجاد می‌نماید،

* دریافت ۸۲/۶/۱۶ پذیرش ۸۲/۸/۷ این مقاله مستخرج از رساله دکتری به راهنمایی آقای دکتر علی اکبر فرهگی می باشد.

۱ عضو هیئت علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

تأمین می‌شود و تا رشد اقتصادی وجود نداشته باشد صحبت از عدالت اجتماعی، شعاری تو خالی بیش نیست.

توسعه این دیدگاه‌ها و تسری آن به افکار سیاستمداران و گردانندگان کشورهای منطقه باعث اتخاذ راهبردهای متفاوتی از توسعه اقتصادی گردیده است و قطعاً نتایج متفاوتی از رشد و توسعه را نیز به همراه داشته است.

این مقاله به مقایسه‌ی دیدگاه‌های مختلف و تأثیر آن بر رشد و توسعه اقتصادی تعدادی از کشورهای منطقه که مورد مطالعه واقع شده‌اند، پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: روابط صنعتی، قانون کار، راهبرد توسعه صادرات، راهبرد، جایگزینی واردات، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی کاری، اشتغال، بیکاری، رفاه اقتصادی، کارگران دانش، صنایع کاربر، صنایع سرمایه بر، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

مقدمه

از نقاط قوت اقتصاد جهانی در سالهای اخیر، رشد مداوم آن در کشورهای در حال توسعه، به ویژه آسیا و اقیانوسیه می‌باشد. لذا نرخ رشد و آثار آن در کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا در اثنای دو دهه و نیم گذشته، کاملاً مشهود بوده است. چین در سال ۱۹۷۸ با آغاز اصلاحات اقتصادی با سرعت سرسام آوری شروع به رشد نموده و قادر شده است نرخ رشد خود را در دو دهه اخیر تقریباً ثابت نگه دارد. در سالهای اخیر ویتنام هم به جرگه کشورهای با نرخ رشد بالا پیوسته است. البته نرخ رشد در کشورهای جنوب آسیا نسبت به بقیه کمتر بوده است (Islam Rizwanul, 1997, p:2).

از عوامل موثر بر این بهبود و توسعه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود

- ۱- افزایش درجه جهانی سازی اقتصادی و ادغام و یکپارچه سازی‌ها.
 - ۲- رفع موانع مهم بر سر راه تجارت خارجی توسط کشورها.
 - ۳- کاهش موانع حرکت سرمایه‌های بین المللی.
 - ۴- توسعه تجارت آزاد در اتحادیه‌های منطقه ای مانند اتحادیه اروپا، نفتا، آسه آن،...
- (khan, 1994, p:28)

البته بعضی صاحب نظران به عوامل فوق دیگری را هم به شرح زیر اضافه می‌کنند:

- ۵- نتیجه موفقیت آمیز دور مذاکرات اوروگونه در دسامبر ۱۹۹۳ که با شفاف سازی جنبه‌های تجارت جهانی، امکان آزادسازی رشد تجارت جهانی را بیشتر نمود (Islam Rizwanul, 1997, p:4).
- ۶- تغییرساختارهای اقتصادی بعضی از کشورهای آسیایی و اقیانوسیه که به سرعت ساختار خود را با محیط اقتصاد جهانی شده، وفق داده‌اند (krugman,paul 1994,p:26).
- ۷- پیشرفت تکنولوژی اطلاعات (IT)، کاهش هزینه ارتباطات و کاهش هزینه حمل و نقل در سطح جهان خود جهانی شدن اقتصاد را تسهیل کرده (Macdonald 1997, p:6).
- ۸- سرمایه گذاری بر روی سرمایه انسانی توسط کشورهای در حال توسعه که به این وسیله سرعت صنایع کاربر خود را تبدیل به صنایع با تکنولوژی بالا^۱ نموده و ارزش افزوده بیشتری برای تولیدات خود ایجاد نموده‌اند (Bhagavan, M.R, 1993 p:38).
- میزان اقبال و استفاده کشورهای مختلف آسیا و اقیانوسیه از پارامترهای فوق‌الذکر، متفاوت بوده و یا به تعبیر دیگر کشورهای مختلف آسیا و اقیانوسیه برای صنعتی شدن و پیشرفت اقتصادی خود روش‌های متفاوتی را دنبال نموده‌اند. دو راهبرد عمده از راهبردهای توسعه: راهبرد توسعه صادرات و راهبرد جایگزینی واردات می‌باشد (Silva, 1998, p:32).
- کشورهایی که راهبرد توسعه صادرات را انتخاب نموده‌اند، استفاده از هشت عامل فوق‌الذکر را بیشتر پی گرفته و همراه با آن الزامات و خواسته‌های این راهبرد را تحمل نموده‌اند. تعداد دیگری از کشورهای آسیا و اقیانوسیه، راهبرد جایگزینی واردات را انتخاب نموده و تسلیم الزامات و خواسته‌های این راهبرد شده‌اند (Silva, 1998, p:5).
- از الزامات راهبرد توسعه صادرات علاوه بر الزامات اقتصادی، توجه به روابط صنعتی تولید مدار و کار مدار و نیز حمایت از کارفرمایان، به منظور افزایش قدرت رقابت جویی و قابلیت انعطاف آنان بوده است.
- از دیگر الزامات راهبرد جایگزینی واردات علاوه بر قوانین اقتصادی خاص خود، توجه به روابط کار سختگیرانه، روابط صنعتی کارگردار، قوانین کار حمایتی و مقابله با کارفرمایان به منظور گسترش عدالت و تأمین شغلی کارگران بوده است (Silva 1998, p:5).
- بررسی آمارها و ارقام از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۶ نشان می‌دهد که کشورهای پیرو راهبرد توسعه صادرات و برون گرا (کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا و اقیانوسیه) نسبت به

کشورهای دنباله رو راهبرد جایگزینی واردات و درون‌گرا (کشورهای جنوب آسیا) از رشد و توسعه بیشتری برخوردار بوده‌اند (Macdonald 1997, p:2).

این تحقیق کشورهای آسیا و اقیانوسیه را به سه گروه عمده و شاخص جهت مقایسه تطبیقی تقسیم کرده و یک گروه را به عنوان گروه ممتاز (اژدهای اقتصادی)، گروه دوم را به عنوان گروه پیشرو (ببرهای اقتصادی) و گروه سوم را به عنوان کشورهای جنوب آسیا (گروه عقب‌تر) نامگذاری نموده است.

البته از اواسط دهه ۱۹۹۰ تمام کشورهای مورد مطالعه، دنباله رو راهبردهای توسعه صادرات گردیده و الحاق و ادغام در اقتصاد جهانی را آغاز کرده‌اند و تجربه مقایسه این کشورها ممکن است برای جمهوری اسلامی ایران (به عنوان یک کشور در حال توسعه) مفید واقع شود.^۱

کشورهای مورد مطالعه و گروه بندی آنان

آسیا و اقیانوسیه منطقه وسیعی است با اقتصادهایی که در مراحل متفاوتی از رشد قرار دارند. جدول ۱ در صفحه ۱۴۹ کشورهای مورد مطالعه در این تحقیق و ساختارهای اقتصادی آنان را که شامل ۲۰ کشور است نشان می‌دهد. در این جدول ۲۰ کشور مطرح به ۵ گروه به شرح زیر تقسیم بندی شده است: (Boo Tan, 1998: 2-3)

۱-۴) در جنوب اقیانوسیه بیش از ۲۴ جزیره پلی‌نزیایی، ملانزیایی و میکرونزیایی واقع شده است. اکثر اینها پایه تولیدی ضعیفی دارند: یک بخش اساسی بزرگ که بدنه جمعیت جزیره را تشکیل می‌دهد و یک بخش کوچک سازماندهی شده که شامل دولت، واحدهای محلی شرکتهای خارجی، بانکها و دیگر مؤسسات مالی را شامل می‌شود (بانک توسعه آسیایی ADB 1995 ص ۳۰).

گینه جدید پاپوا با داشتن یک صنعت معدنی مهم، بزرگترین جزیره جنوب اقیانوسیه می‌باشد. دومین کشور از لحاظ بزرگی در جنوب اقیانوسیه فی‌جی است که با شکر - چوب درختان جنگلی - پوشاک و صنعت توریسم تنوع بیشتری دارد.

۱. اکثر مقالات و گزارش‌های مورد استفاده در این مقاله از سایت اینترنتی سازمان بین‌المللی کار I. L. O. اتخاذ شده است.

۲-۴) در شمال جزایر اقیانوسیه: کشورهای تازه صنعتی شده هنگ کنگ، کره جنوبی، سنگاپور و تایوان هستند. این کشورها به علت اینکه در دو دهه گذشته رشد اقتصادی فوق العاده ای داشته‌اند (۶/۷٪ در سال ۱۹۹۵)، به معجزه‌های اقتصادی^۱ معروف شده‌اند. اینها به خط مشی‌های اقتصادی سنجیده و حساب شده در سطح کلان ادامه می‌دهند که توأم با استفاده از سیاستهای اقتصاد بازار (اقتصاد باز) است. از طرف دیگر این کشورها با برنامه‌های مختلف بهسازی منابع انسانی^۲، سطح دانش و مهارتهای منابع انسانی خود را افزایش داده و همین عامل مهمی برای شرکتهای چند ملیتی و فراملیتی بوده که بر اساس آن مؤسسات الکترونی و کارخانجات با تکنولوژی بالا^۳ را به این کشورها انتقال دهند (Unctad، ۲۰۰۰ صفحه ۲۰). در واقع این کشورها از مرحله صنایع کاربر به صنایع سرمایه بر منتقل شده‌اند.

۳-۴) در جنوب شرقی آسیا کشورهای ۴ گانه سریعاً در حال صنعتی شدن هستند. کشورهای اندونزی، مالزی، فیلیپین، و تایلند که صنایع کارخانه‌ای کاربر دارند، تولیدات، محصولات و مهارت نیروی کار آنها متوسط است. یعنی مهارت نیروی کار آنها از کشورهایی نظیر سنگاپور کمتر ولی از کشورهایی نظیر چین بیشتر است. اقتصاد این کشورها بعنوان ببرهای ۳ گانه شناخته شده‌اند. در سال ۹۵ به جز فیلیپین بقیه بالای ۷٪ رشد اقتصادی داشته‌اند. این کشورها در تلاش هستند تا صنایع کارخانه‌ای کار بر خود را به صنایع سرمایه بر با تکنولوژی بالا تبدیل نمایند.

۴-۴) چین، منگولیا، لائوس، میانمار و ویتنام از کشورهایی هستند که در حال انتقال به بازار محسوب می‌شوند. این کشورها در حال صنعتی شدن با صنایع کاربر و تولید با تکنولوژی پایین شناخته می‌شوند.

رهبر کشورهای در حال انتقال به اقتصاد بازار، چین است که رکورد سریعترین نرخ رشد اقتصادی را در دنیا شکسته است (۱۰/۲٪ در سال ۱۹۹۵)

۵-۴) کشورهای جنوب آسیا که شامل هندوستان، پاکستان، بنگلادش، سریلانکا و نپال می‌شود، اغلب انتقال به اقتصاد بازار را تازه شروع کرده‌اند و از اوایل دهه ۱۹۹۰ شروع به

1. Economic Miracles

2. H.R.D

3. High - Tech

اصلاحات اقتصادی نموده‌اند. آنها همچنین دارای صنایع کاربر با تکنولوژی پایینی هستند. رشد اقتصادی هندوستان در سال ۱۹۹۵ فقط ۴/۶٪ بود و نیپال ۲/۳٪. از میان ۵ گروه ۲ گروه شاخص که راهبرد توسعه صادرات را برگزیده‌اند گروه معجزه‌ها (هنگ کنگ، کره جنوبی، سنگاپور، تایوان) و گروه ببرها (اندونزی، مالزی، تایلند و فیلیپین) می‌باشند. گروه شاخصی هم که راهبرد جایگزینی واردات را انتخاب کرده بود، گروه کشورهای جنوب آسیا (هندوستان، پاکستان، بنگلادش، سریلانکا و نیپال) می‌باشند. دلیل اینکه بعضی از کشورها راهبرد «توسعه صادرات» و برخی دیگر راهبرد «جایگزینی واردات»، را برگزیده‌اند متعدد می‌باشد ولی یکی از مهمترین آنها نوع نگرش به «سرمایه‌های مستقیم خارجی»^۱ است که در صفحات بعدی توضیح داده شده است.

جدول (۱): ساختار اقتصادی کشورهای آسیا و اقیانوسیه: توزیع GDP به درصد

کشور	GDP به میلیون دلار آمریکا		کشاورزی		صنعت		تولید کارخانه‌ای		خدمات	
	۱۹۸۰	۱۹۹۴	۱۹۸۰	۱۹۹۴	۱۹۸۰	۱۹۹۴	۱۹۸۰	۱۹۹۴	۱۹۸۰	۱۹۹۴
گینه جدید پایوا	۲/۵۴۸	۵/۴۰۳	۳۳	۲۸	۲۷	۳۸	۱۰	۸	۴۰	۳۳
فی جی	-	-	۲۲/۵	۲۲/۳	۲۱/۷	۱۷/۶	-	-	۵۵/۸	۶۱/۱
هنگ کنگ	۲۸/۴۹۶	۱۳۱/۸۸۱	۱	۰	۳۱	۱۸	۲۳	۱۱	۶۸	۸۲
کره جنوبی	۶۳/۶۶۱	۳۷۶/۵۰۵	۱۵	۷	۴۰	۴۳	۲۹	۲۹	۴۵	۵۰
سنگاپور	۱۱/۷۰۸	۴۹	۱	۰	۳۸	۳۶	۲۹	۲۷	۶۱	۶۴
تایوان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
اندونزی	۷۸/۰۱۳	۱۷۴/۶۴۰	۲۴	۱۷	۴۲	۴۱	۱۳	۲۴	۳۴	۴۲
مالزی	۲۴/۴۸۸	۷۰/۶۲۶	۲۲	۱۴	۳۸	۴۳	۲۱	۳۲	۴۰	۴۲
فیلیپین	۳۲/۵۰۰	۶۴/۱۶۲	۲۵	۲۲	۳۹/۱	۳۳	۲۶	۲۳	۳۶	۴۵
تایلند	۳۲/۳۵۴	۱۴۳/۲۰۹	۲۳	۱۰	۲۹	۳۹	۲۲	۲۹	۴۸	۵۰
چین	۲۰۱/۶۹۶	۵۲۲/۱۷۲	۳۰	۲۱	۴۹	۴۷	۴۱	۳۷	۲۱	۳۲
منگولیا	۲/۳۲۹	۷/۴۱	۱۴	۲۱	۲۸	۴۵	-	-	۵۷	۳۴
لاتوس	-	۱/۵۳۴	-	۵۱	-	۱۸	-	۱۳	-	۳۱
میانمار	-	-	۴۷	۶۳	۱۳	۹	۱۰	۷	۴۱	۲۸
ویتنام	-	۱۵/۵۷۰	-	۲۸	-۱	۳۰	-۱	۲۲	-	-
هندوستان	۱۷۲/۳۲۱	۲۹۳/۶۰۶	۳۸	۳۰	۲۶	۲۸	۱۸	۱۸	۲۶	۴۲
پاکستان	۲۳/۶۹۰	۵۲/۰۱۱	۳۰	۲۵	۲۵	۲۵	۱۶	۱۸	۴۶	۵۰
بنگلادش	۱۲/۵۹۰	۲۶/۱۶۴	۵۰	۳۰	۱۶	۱۸	۱۱	۱۰	۳۴	۵۲
نیپال	۱/۹۴۶	۴/۰۴۸	۶۲	۴۴	۱۲	۲۱	۴	۹	۲۶	۳۵
سريلانكا	۴/۰۲۴	۱۱/۷۱۲	۲۸	۲۴	۳۰	۲۵	۱۸	۱۶	۴۲	۵۱

Source: world Bank ,world Development Report (1996)

۵- راهبردهای صنعتی شدن

کشورهای در حال توسعه جهت صنعتی سازی خود دو نوع راهبرد را در پیش گرفته‌اند: راهبرد جایگزینی واردات
راهبرد توسعه صادرات (Silva, 1998:5).

۱-۵ راهبرد جایگزینی واردات

راهبرد درون گرایی اقتصادی^۱ و یا به عبارتی راهبرد جایگزینی واردات^۲ مبتنی بر تأمین احتیاجات بازار داخل کشور با تولیدات داخلی می‌باشد به صورتی که این تولیدات به مرور جایگزین واردات گردند.

عمده ترین هدف از انتخاب این راهبرد رهایی از وابستگی وارداتی و رسیدن به خود کفایی است. انتخاب این روش از یک طرف در جهت کاهش یا قطع نیازهای ارزی و آسیب پذیری می‌باشد واز طرف دیگر باعث تشویق تولیدات داخلی می‌شود که این تشویق و حمایت از تولیدات داخلی معمولاً با روشهای کنترل ارزی، تعرفه، عوارض گمرکی، سهمیه بندی‌ها و دیگر سیاست‌های محدود کننده واردات انجام می‌گیرد.

۲-۵ راهبرد توسعه صادرات

راهبرد برون گرایی اقتصادی^۳ یا به عبارت دیگر: سیاست توسعه اقتصادی بر اساس «توسعه بخش صادرات»^۴، مبتنی بر تشویق صادرات در کشور است. یعنی در جهت صادرات کالا و افزایش صادرات در کشور و با تأکید بر توسعه صنایعی که از مزیت نسبی^۵ برخوردارند و یا اینکه به گونه ای امکانات تولیدی دارند. به عقیده نولیس چنری (Nollis, 1980)، در کشورهای در حال توسعه، صادرات محصولات صنعتی نه تنها

-
1. Inward-Looking Strategy
 2. Import Substitution
 3. OutWard - Looking Strategy
 4. Export romotion
 5. comparative Advantage

منبع رشد اقتصادی برای آنها می‌باشد بلکه در بر طرف کردن نیازهای ارزی آنها بسیار مؤثر است.

۶- تأثیر راهبردهای توسعه صادرات بر سایر روندها

هر یک از این راهبردها فلسفه زیر بنایی و ارزشی خاص خود دارند که آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد (Rantam, 1996).

کشورهایی که از راهبرد توسعه صادرات استفاده کرده‌اند، مجبور بوده‌اند تا تعامل بیشتری با اقتصاد جهانی و شبکه‌های اقتصادی بین‌المللی داشته باشند؛ در حالی که کشورهای که راهبرد جایگزینی واردات را بکار گرفته‌اند نیاز چندانی برای تعامل با کشورهای جهان حس نمی‌کنند. یکی از علل انتخاب راهبرد توسعه صادرات یا جایگزینی واردات نحوه استفاده از سرمایه‌های مستقیم خارجی^۱ می‌باشد. یکی دیگر از عوامل انتخاب نوع راهبرد، میزان تعامل یا عدم تعامل با شرکتهای چند ملیتی^۲ و شرکتهای فراملیتی بوده است.

۷- جریان گردش سرمایه‌های مستقیم خارجی^۳ و راهبرد توسعه صادرات

هر دو گروه: اعجازهای اقتصادی (سنگاپور و...) و ببرها (اندونزی و...) برای افزایش توان صادراتی خود از سرمایه‌های مستقیم خارجی استفاده کرده‌اند.

از دیدگاه کارشناسان اقتصادی، طرفداران راهبرد توسعه صادرات در توسعه اقتصادی بعضی از کشورهای در حال توسعه نقش اساسی ایفا نموده است. (اسحاق یوسف و رحمان اسماعیل ۲۰۰۲ ص ۲۶).

-
1. (F.D.I)Foreign Direct Investment
 2. MNCs
 3. FDI

بعضی از مزایای استفاده از FDI به شرح زیر بوده است

۱. منبع افزایش سرمایه بوده و ظرفیت فعالیتهای تولیدی کشور میزبان را افزایش داده است. این افزایش سرمایه ماورای آن چیزی است که به وسیله سرمایه گذاری پس اندازهای داخلی می تواند بدست آید.
۲. خاصیت ترمیم پذیری اقتصادی^۱ کشورهای استفاده کننده را (با وجود بحران های اخیر اقتصادی) به وضوح افزایش داده است.
۳. تجارت خارجی و صادرات کشورهای میزبان را افزایش داده و در موارد بسیاری عامل تراز مثبت در موازنه بازرگانی خارجی این کشورها بوده است.
۴. در انتقال تکنولوژی به کشورهای میزبان به طور اساسی کمک نموده است.
۵. تخصیص بهینه منابع بین المللی را نیز بهبود بخشیده است.
۶. ایجاد اشتغال و رفع بیکاری نموده است، به نحوی که در بسیاری از موارد این کشورها با کمبود نیروی کار^۲ نیز مواجه گردیده اند.

به دلیل مزایای فوق و بعضی مزایای فرعی دیگر، کشورهای در حال توسعه روز بروز تسهیلات بیشتری را جهت سرمایه و سرمایه گذاری های خارجی اعلام می نمایند تا میزان بیشتری از این سرمایه ها را جذب کنند. سرمایه های خارجی در سراسر جهان نیز در پی یافتن بهترین منابع (مالی، انسانی، و...) با نازلترین قیمت و بالاترین کیفیت هستند تا از عهده رقابای خود برآمده و خاصیت رقابت جویی^۳ خود را حفظ نمایند.

مجموعه عوامل فوق به همراه دیگر روندهای جهانی شدن، آزادسازی اقتصادی، افزایش و گسترش تکنولوژی اطلاعات، کاهش هزینه های ارتباطات، کاهش هزینه حمل و نقل سرمایه و... موجب آسان شدن جریان گردش سرمایه ها در سطح جهان گردیده است. یکی از پیامدهای آسان شدن جریان گردش سرمایه ها در سطح جهان، افزایش تعداد شرکتهای چند ملیتی از ۷۱۰۰ در سال ۱۹۶۹ به ۳۷۰۰۰ در سال ۱۹۹۳ بوده است.

1. Economic Relisient

2. Labor Shortage

3. Competitiveness

(World Bank Report: 1995).

از پیامدهای دیگر آسان شدن جریان گردش سرمایه‌های مستقیم خارجی، سرمایه‌گذاری کشورهای آسیایی در آفریقا، آمریکای لاتین و حتی اروپا و آمریکا بوده است.

کشورهای ازدهای آسیایی^۱ یعنی هنگ کنگ، کره جنوبی، تایوان و سنگاپور به دلیل کمبود نیروی کار داخلی افزایش دستمزد کارگران به خاطر افزایش مهارت‌ها و نرخ‌های مبادله قویتر، اقدام به سرمایه‌گذاری خارجی نموده‌اند. نکته قابل توجه اینکه یکی از دلایل صدور سرمایه این کشورها، داشتن کارگران دانشی است.

دو تن از استادان رشته اقتصاد دانشگاه مالزی (اسحاق یوسف و رحمان اسماعیل ۲۰۰۲) در یک تحقیق تحت عنوان «رقابت جویی منابع انسانی و جاری شدن سرمایه‌های مستقیم خارجی به منطقه آسیا» فرضیه‌ای را بررسی نموده‌اند و آن اینکه رقابت جویی منابع انسانی تأثیر قابل ملاحظه‌ای روی جاری شدن F.D.I به کشورهای میزبان خواهد داشت. ایندو محقق بین دو گروه از کشورهای آسیا یعنی گروه اعجازها و گروه ببرها مقایسه‌ای بعمل آورده‌اند؛ آنها معتقدند کشورهای سنگاپور، هنگ کنگ، تایوان و کره جنوبی به اقتصاد دانشی روی آورده‌اند. یعنی با سرمایه‌گذاری روی بهبود و بازسازی منابع انسانی خود و افزایش مهارت‌ها و دانش آنها و تبدیل آنان به کارگران دانشی^۲، توانسته‌اند سرمایه‌های با تکنولوژی بالا^۳ را به کشورهای خود جذب نمایند و از این طریق ضمن ارتقاء سطح اقتصاد کشور و ایجاد ارزش افزوده در صنایع تولیدی، افزایش دستمزدهای ناشی از تخصص (نه ناشی از افزایش هزینه) را به همراه داشته باشند؛ در واقع این کشورها رقابت جویی را از طریق منابع انسانی خود تأمین کرده‌اند. افزایش دستمزد کارگران سنگاپوری در واقع افزایش بهره‌وری است که در اثر ازدیاد مهارت و توانایی تخصصی کارگران شده است. پیشنهاد آنها این بود که کشورهایی مانند اندونزی، مالزی، تایلند و فیلیپین نیز باید به تأسی از کشورهای فوق‌الذکر به جلب و جذب صنایع سرمایه‌بر به جای صنایع کاربر بردارند تا بتوانند ضمن ایجاد ارزش افزوده

1. Asian Dragon

2. Knowledge Workers

3. High- Tech

بیشتر در فرایند تولید، دستمزدهای بیشتری برای کارگران به همراه داشته و برای آنان رفاه و افزایش کیفیت زندگی^۱، را به ارمغان آورند.

۸- جریان گردش سرمایه های مستقیم خارجی و راهبردهای جایگزینی واردات

تئوریسین های طرفدار راهبرد جایگزینی واردات معتقدند که مشخصه های سرمایه های مستقیم خارجی به شرح زیر است:

- ۱- مهمترین انگیزه سرمایه های خارجی پیداکردن کارگر ارزان در کشور میزبان است.
- ۲- سرمایه مستقیم خارجی، ماشین آلات و تکنولوژی را با خود می آورد تا با استفاده از نیروی کار ارزان و سایر تسهیلات، قیمت تمام شده محصولات خود را کاهش دهد.
- ۳- از آنجا که بیکاری عامل کاهش دستمزدها می باشد، لذا سرمایه های مستقیم خارجی، خود مشوق و حامی بیکاری هستند و اصطلاح بیکاری طبیعی هم اختراع شرکت های چند ملیتی است.
- ۴- شرکتهای چند ملیتی به دلیل تضمین سود و منافع خود در کشورهای میزبان، به دنبال نفوذ در سیستم های سیاسی و حتی تعویض دولت ها و نیز رخنه در ارزش های فرهنگی جوامع و بطور کلی سلطه سیاسی و اجتماعی بر آنها هستند.
- ۵- سرمایه مستقیم خارجی وابستگی و خاصیت آسیب پذیری کشورهای دریافت کننده ی سرمایه خارجی را نسبت به کشورهای صادر کننده ی این سرمایه (کشور توسعه یافته) افزایش می دهد. به این دلیل که ماهیت این سرمایه ها، آزادی بیش از حد و حصر داشته^۲ و از قوانین و مقررات داخلی کشور میزبان تبعیت نمی کنند.

به دلیل معایب فوق، کشورهای جنوب آسیا کمتر مایل به استفاده از سرمایه های مستقیم خارجی بوده و به همین دلیل رشد اقتصادی آنها نسبت به دو گروه دیگر افزایش چشمگیری نداشته است (بانک توسعه آسیا، A.D.B، ۱۹۹۶).

1. Q.W.L

2. Footloose

مطلب نهایی اینکه در نشست سالانه W.T.O در اجلاس سیاتل، آمریکا و کشورهای اروپایی در ظاهر به منظور دفاع از حقوق کارگران و در باطن به منظور جلوگیری از خروج FDI از کشورهای صنعتی غرب، اصرار زیاد بر افزایش استانداردهای مربوط به نیروی کار، افزایش قوانین حمایتی در قوانین کار تمام کشورهای جهان (ممنوعیت استخدام افراد زیر ۱۵ سال و...) را داشتند ولی اقتصاددانان کشورهای جهان سوم که از F.D.I استفاده می‌کنند در مقابل نظرات آمریکا ایستادگی کردند و در پاسخ بر این امر صحه گذاشتند که داشتن اصل کار و شغل برای نیروی کار ما بهتر از بیکاری (توأم با قوانین بسیار عالی و حمایتی) است (Kebria, 1999: 123).

۹- مقایسه آماری کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه (با توجه به نوع راهبرد توسعه)

در جدول ۲ تصویر مشروحی از عملکرد رشد G.D.P کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه ارائه شده است. در دهه ۱۹۸۰ و نیمه اول دهه ۱۹۹۰ کشورهای آسیایی که بصورت مداوم وضع خوبی داشته‌اند عبارتند از: چین، شرق و جنوب شرقی آسیا به استثنای فیلیپین. در مقایسه با این کشورها، رشد کشورهای جنوب آسیا متوسط است. در هندستان در اوایل دهه ۱۹۹۰ رشد به دلیل قوانین سفت و سختی که برای ثبات اجتماعی به کار گرفته می‌شود، ضعیف است. اگر چه رشد خوب کشاورزی (که بوسیله بارندگی‌های سنگین و افزایش رشد سریع صادرات کشاورزی صورت گرفت) باعث شد که هندوستان در سال ۹۶-۹۵ به رشد ۷٪ نایل آید و در سالهای ۹۷-۹۶ هم این ۷٪ (به خاطر کشاورزی) ادامه یافت.

دو کشور آسیایی که با مشکلات اقتصادی کلان مواجه شده‌اند: پاکستان و سریلانکا می‌باشند که هر دو با کاهش صادرات و کسری در موازنه پرداخت‌های خود مواجه هستند که پاکستان در مورد این مسائل، مشکلات ساختاری جدی دارد.

جدول ۲) رشد G.D.P در کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه از ۱۹۸۰ (متوسط سالیانه به درصد)

۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴ - ۱۹۹۰	۱۹۹۰ - ۱۹۸۰	
۲/۳	-۲/۹	۱۱/۵	۱/۹	گینه جدید پاپوا
۴/۷	۴/۷	۵/۷	۶/۹	هنگ کنگ
۷/۰	۹/۷	۶/۶	۹/۴	جمهوری کره سنگاپور
۷/۰	۸/۸	۸/۳	۶/۴	
۷/۸	۸/۲	۷/۶	۶/۱	اندونزی
۸/۸	۱۰/۱	۸/۴	۵/۲	مالزی
۵/۵	۴/۸	۱/۶	۱/۰	فیلیپین
۶/۷	۸/۷	۸/۲	۷/۶	تایلند
۹/۷	۱۰/۲	۱۲/۹	۱۰/۲	چین ویتنام
۹/۵	۹/۵	۸/۰	-	
۴/۷	۴/۴	۴/۲	۴/۳	بنگلادش
۶/۸	۷/۱	۳/۸	۵/۸	هندوستان
۶/۱	۲/۹	۴/۹	۴/۶	نپال
۶/۱	۴/۴	۴/۶	۶/۳	پاکستان
۳/۸	۵/۶	۵/۴	۴/۲	سريلانكا

Source: world Bank (1996) Asian Development Bank (1997)

چون سرمایه گذاری یک عامل تعیین کننده جدی در رشد اقتصادی است، خوب است که نگاهی به اطلاعات مربوط به سرمایه گذاری انداخته شود.

اطلاعات جدول شماره ۳ نشان می دهد که کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا و همچنین چین، درصد بیشتری از G.D.P خود را به سرمایه گذاری در کشورهای جنوب آسیا اختصاص داده است. در میان کشورهای جنوب شرقی، فیلیپین استثنائاً رشد سرمایه گذاری کمتری از سایرین داشته است.

اطلاعات مربوط به پس اندازهای داخلی (جدول شماره ۳) نشان می‌دهد: کشورهایایی که نرخهای بالاتری از سرمایه‌گذاری را دارند، نرخهای پس‌انداز آنها هم بیشتر است. کشورهایایی مانند چین، اندونزی، مالزی، سنگاپور و... در مقایسه با کشورهای جنوب آسیا، سهم بیشتری از G.D.P خود را پس‌انداز کرده‌اند.

(جدول ۳) سرمایه‌گذاری پس‌انداز داخلی در کشورهای منتخب آسیا از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۴ (به درصدی از G.D.P)

پس انداز	ناخالص داخلی	سرمایه‌گذاری	ناخالص داخلی
۱۹۸۰	۱۹۹۴	۱۹۸۰	۱۹۹۴
۱۵	۳۲	۱۵	۲۵
۳۴	۳۳	۳۵	۳۱
۲۵	۳۹	۳۲	۳۸
۳۸	۵۱	۳۲	۴۶
۳۷	۳۰	۲۴	۲۹
۳۳	۳۷	۳۰	۳۹
۲۴	۱۸	۲۹	۲۴
۲۳	۳۵	۲۹	۴۰
۳۵	۴۴	۳۵	۴۲
-	۱۳	-	۲۴
۲	۸	۱۵	۱۴
۱۷	۲۱	۲۱	۲۳
۱۱	۱۲	۱۸	۲۱
۷	۱۷	۱۸	۲۰
۱۱	۱۵	۳۴	۲۷

Source: world Bank (1996)

جدول (۴) در مورد جذب F.D.I بیانگر این نکته است که کشورهای جنوب شرقی و شرق آسیا در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز موفق‌تر از کشورهای جنوب آسیا بوده‌اند.

جدول ۴) سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه از ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۴
(به درصدی از G.D.P)

۱۹۹۴	۱۸۸۶-۹۳	۱۹۸۱-۸۵	
۰/۰۸	۳/۸۷	۴/۰۳	گینه جدید پاپوا
-	۰/۴۹	۰/۷۵	هنگ کنگ
-۰/۳۵	۰/۰۹	۰/۰۴	جمهوری کره
-	۱۰/۸۷	۷/۵۲	سنگاپور
۱/۴۶	۰/۹۰	۰/۲۵	اندونزی
۴/۳۹	۵/۰۸	۳/۸۱	مالزی
-	۱/۱۷	۰/۱۸	فیلیپین
۰/۳۴	۱/۵۴	۰/۷۲	تایلند
-	-	-	چین
-	-	-	ویتنام
۰/۲۶	۰/۰۲	۰	بنگلادش
۰/۴۵	۰/۱۱	۰/۰۴	هندوستان
۰/۶۹	۰/۵۵	۰/۲۳	پاکستان
۱/۳۵	۰/۷۸	۰/۸۲	سريلانكا

Source: I.L.O (1996)

نقطه قوت دیگر کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا (بیرها، اژدهای اقتصادی) رشد بالای صادرات آنها بوده است آنها نسبت به کشورهای جنوب آسیا، نه تنها سهم بیشتری از G.D.P خود را صادر کرده‌اند، بلکه نرخ رشد صادراتشان نیز افزایش بیشتری داشته است.

البته مطالعه جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که در سال ۱۹۹۶ کاهش صادرات برای کلیه منطقه زنگ خطری جدی بوده است.

جدای از نرخ بالای پس انداز و سرمایه گذاری داخلی و جذب سرمایه‌های خارجی در کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا نکته ای که ارزش مطرح شدن دارد بحث انباشت مهارت در این کشورها است.

خط مشی‌ها و نهادهای تشویقی و حمایتی که کشورهای معجزه اقتصادی و مالزی در کشور ایجاد نموده‌اند، منجر به توسعه و مهارت در مجموعه‌های لازم گردیده است؛ این فعالیت‌ها فراتر از آموزش‌های اساسی و پایه‌ای است.

در جمهوری کره دولت در گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی ایفا نموده است و از طریق انواع برنامه‌ها در سطح کارخانجات یا تخفیف‌های مالیاتی برای ایجاد کلاس‌ها و... افزایش مهارت کارگران را توسعه داده است. در سنگاپور و مالزی دولت‌ها با بخش خصوصی به مشارکت فعالی اقدام نموده‌اند تا مهارت‌های آموزشی لازم را برای کارگران ایجاد کنند.

اندونزی هم شبکه‌های نهادها و مؤسسات آموزشی حرفه‌ای را توسعه داده و مراکز آموزشی حین شغل (داخل کارخانه) و مراکز آموزشی مکمل شبکه دولتی را ایجاد نموده است. البته تایلند و کشورهای جنوب آسیا در باره اهمیت سرمایه گذاری در تشکیل سرمایه انسانی غفلت نموده و در حال حاضر با کمبود نیروی انسانی ماهر مواجه هستند و جهت تجدید ساختار صنعتی خود و جایگزینی نیروهای ماهر با نیروهای بدون مهارت و اضافه فصلی، با مشکلات اساسی مواجه هستند (Islam Rizwanul , 1998 , p:8).

جدول شماره (۵) عملکرد صادراتی کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه

صادرات کالاها و خدمات غیر کارخانه ای (به درصدی از GDP)		متوسط رشد سالیانه صادرات کالاهای بازرگانی					
۱۹۹۴	۱۹۸۰	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	-۹۳ ۱۹۸۶	-۸۵ ۱۹۸۱	
۵۳	۴۳	-۱۵/۸	۶/۶	۱/۸	-۳/۷۷	۳/۱۸	گینه جدید پاپدا
۱۹۳	۹۰	۴/۰	۱۴/۸	۱۱/۹	۱۷/۸۲	۱۰/۷۰	هنگ کنگ
۳۶	۳۴	۴/۱	۳۱/۵	۱۵/۷	۱۰/۳۶	۱۴/۵۸	جمهوری کره
۱۷۷	۲۰۷	۶/۷	۲۱/۵	۲۵/۸	۱۵/۶۳	۶/۱۵	سنگاپور
۲۵	۳۲	۸/۸	۱۳/۱	۹/۹	۱۴/۶۷	-۰/۳۱	اندونزی
۹۰	۵۸	۴/۰	۲۵/۹	۲۳/۱	۱۴/۷۲	۱۰/۵۲	مالزی
۳۴	۲۴	۱۷/۵	۲۹/۴	۱۸/۵	۷/۶۲	۰/۹۱	فیلیپین
۳۹	۲۴	۰/۱	۲۴/۷	۲۲/۲	۲۰/۳۶	۸/۴۴	تایلند
۱۲	۶	۱۱/۸	۳۷/۱	۶/۳	۱۱/۷۲	۷/۲۸	بنگلادش
۱۲	۷	۱۳/۰	۲۰/۹	۱۸/۴	۹/۱۹	۴/۴۸	هندوستان
۱۶	۱۲	۷/۰	۱۶/۱	-۱/۴	۱۱/۵۷	۴/۳۳	پاکستان
۳۴	۳۲	۱۲/۰	۱۸/۴	۱۵/۲	۱۰/۶۱	۷/۵۱	سريلانكا

Source: I.L.O (1996)

۱۰- راهبردهای توسعه و سیستم روابط صنعتی کشورهای آسیا و اقیانوسیه

این راهبردها نفوذ قابل ملاحظه ای بر روی سیستم‌های روابط صنعتی و خط مشی‌های مربوط به نیروهای کار و قوانین کار این کشورها داشته است (Kuruvilla and Rantam, 1995, p:25).

الف - کشورهایی که راهبرد « جایگزینی » واردات را بر گزیده‌اند

از نمونه‌های آن می‌توان کشورهای جنوب آسیا مانند هند و سريلانكا و پاکستان را مثال زد. این کشورها خط مشی‌های حمایت از نیروهای کار را دنبال می‌کنند و سیستم‌های روابط صنعتی آنها فوق العاده قانونمند است. در این کشورها هزینه‌های نیروی کار عامل مهمی ملاحظه نمی‌شود. به مسائلی مانند: بهره‌وری، بهبود مهارت‌های نیروی کار و دیگر شرایط لازم برای مواجهه با رقابت در بازارهای صادراتی توجه بسیار کمی می‌شود. این

کشورها از طریق حمایت از نیروی کار روی مباحث برابری و مساوات و عدالت متمرکز شده‌اند. دیگر مشخصه‌های این کشورها عبارتند از:

- عدم کارایی نسبی^۱
- عدم انعطاف^۲
- قصور در تشخیص زمان لازم برای تغییرات مورد نیاز جهت رقابت موفقیت آمیز در محیط جهانی.
- قانون کار این کشورها فقط حق و حقوق کارگر را ملاحظه می‌نماید و به حق و حقوق «کارفرما» نمی‌پردازد.
- به دلیل سیاست حمایت از صنایع داخلی، عوامل رقابت، بهره‌وری، خلاقیت، نوآوری و کیفیت بیشتر در مرحله شعار مطرح هستند تا در میدان عمل.

در بعضی موارد سیاست‌های حمایت از نیروی کار به حدی است که از بهبود روابط همکاری جویانه، دو جانبه‌گرایی و سه جانبه‌گرایی جلوگیری می‌کند مانند هندوستان و سریلانکا (در این کشورها یک جانبه‌گرایی آن هم به نفع کارگر دنبال می‌شود). اینگونه سیستم‌های روابط صنعتی که تحت تاثیر مسائل سیاسی و ملاحظات سیاسی قرار می‌گیرند، مانع توسعه سیستم روابط صنعتی با ثبات و پایدار می‌شوند. به عبارت دیگر هر نوع بی‌ثباتی یا تغییر شرایط سیاسی باعث اثرگذاری روی سیستم روابط صنعتی هم می‌شود (kurnvilla and Rantam 1995).

در کشورهایی که با راهبرد جایگزینی واردات به توسعه اقتصادی خود پرداخته‌اند روابط کار یا روابط صنعتی به عنوان وسیله‌ای برای کاهش یا جلوگیری از تضاد صنعتی مشاهده می‌شود. هدف از مکانیزم‌های جلوگیری کننده یا فرونشاندن ادامه منازعات

1. Relative inefficiency.

2. inflexibility.

صنعتی است. از جمله مکانیزم‌هایی که در این کشورها دنبال می‌شود: اعمال محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی است که روی آزادی عمل کارفرمایان اجرا می‌شود.

معمولاً قانون کار در این کشورها از طرق زیر آزادی عمل کارفرمایان را محدود می‌کند:

- خاتمه قرار دادهای کار

- بستن خطوطی از تولید

- انتقال کارگر

تمام موارد فوق به اضافه موارد دیگر از عواملی هستند که در این کشورها به عنوان سیاست‌های تأمین عدالت اجتماعی ملاحظه می‌شوند.

سیستم روابط صنعتی و خط مشی‌های مربوط به نیروی کار از لحاظ اقتصادی، نقش مهمی در توسعه کشورهای شرق آسیا و بعضی کشورهای جنوب شرقی آسیا ایفا نموده است. اگر بعضی کشورهای جنوب آسیا در توسعه اقتصاد خود موفقیت چندانی نداشته‌اند، به دلیل سیستم روابط صنعتی و خط مشی‌های نیروی کار آنها است که خود را با شرایط محیطی تطبیق نداده‌اند.

اتحادیه‌های کارگری کشورهای جنوب آسیا جلودار سیاست‌های ملی کردن^۱ و درونی‌سازی^۲ صنایع و مؤسسات بوده‌اند. کشورهایی که تسلیم سیاست‌ها و تقاضاهای این اتحادیه‌ها گردیده‌اند، سرمایه‌گذاری‌های کلان و فرصت‌های لازم برای مدرنیزه کردن اقتصاد ملی را از دست داده‌اند (Silva, 1997:5). البته بعضی از این سیستم‌های روابط صنعتی که تا کنون مشخصات فوق را داشته‌اند، گرایش قابلیت انعطاف پذیری را پیدا کرده‌اند. قانون کار آنها که قبلاً فوق العاده قانونمند^۳ تنظیم شده بود، به سوی کاهش قوانین و مقررات دست و پاگیر^۴ حرکت کرده است. و همکاری‌های دو جانبه و سه جانبه (یعنی همکاری بین کارفرما - کارگر - دولت)، در سیستم روابط صنعتی بعضی از این کشورها در حال نمایان شدن است. هندوستان که تاکنون غیر قابل انعطاف‌ترین سیستم روابط صنعتی را داشته است به سوی انعطاف‌پذیری و حذف دخالت‌های دولت در روابط صنعتی، حذف

1. Nationalization

2. Internalization

3. Regular

4. Deregulation

مقررات دست و پاگیر از قانون کار و... حرکت نموده است تا بتواند تغییرات اقتصادی و خط مشی‌های جدید صنعتی سازی خود را دنبال نماید (Silva, 1998:4-5).

ب- کشورهایی که برای توسعه خود راهبرد توسعه صادرات را برگزیده‌اند

از نمونه‌های آن می‌توان کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا را مثال زد که کشورهایی چون: مالزی، اندونزی، سنگاپور، تایلند، تایوان و... را شامل می‌شود در این کشورها هزینه‌های نیروی کار و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (F.D.I)، عوامل مهمی در خط مشی صنعتی شدن آنها بوده است. زیرا که آنها روی تولید و صادرات کالاهایی با کیفیت مناسب و بهاء تمام شده پایین تاکید داشتند. در این کشورها راهبرد صنعتی سازی، طرز تلقی و نگرش آنها را نسبت به اتحادیه‌ها تحت تاثیر قرار داده است (Kuruville and Rantam 1995).

لذا این کشورها به رشد اقتصادی قابل ملاحظه‌ای دست یافته‌اند و بسیاری از مشکلات مربوط به درآمد سرانه، رفاه عمومی، خط فقر، استانداردهای زندگی کار، کیفیت زندگی کاری (Q.W.L)، بیکاری، بی‌سوادی، بهداشت، و مسائل درمانی و... را در جوامع خود حل و فصل نموده‌اند. به نحوی که از نظر بسیاری از محققین اقتصادی وضعیتی که در این سری کشورها به وجود آمده به نام معجزه اقتصادی قرن^۱ لقب گرفته است (Deyo, 1989). مطلبی که در مورد این کشورها به چشم می‌خورد این است که به استثنای ژاپن، شکل‌گیری سیستم روابط صنعتی اغلب این کشورها چندان شباهتی به سیستم‌های روابط صنعتی غرب نداشته و از اصل دموکراسی و پلورالیزم حاکم بر روابط صنعتی غرب پیروی نکرده است (Silva, 1998).

در این کشورها به اتحادیه‌ها اجازه داده نمی‌شود که در راهبردهای توسعه (که توسط دولت‌ها برنامه ریزی می‌گردد) مداخله نمایند.

در کشورهای مختلف شرق و جنوب شرقی آسیا یعنی مالزی، اندونزی، جمهوری کره، ژاپن و سنگاپور راهبردهای مختلفی به کار گرفته می‌شود تا نفوذ گرایش چپ یا گرایش کمونیستی را از اتحادیه‌های کارگری پاکسازی نمایند. در حالیکه برعکس، اتحادیه‌های چپ گرا یا کمونیست در کشورهای سریلانکا و هند، به دلیل مشارکت نزدیک آنها با جنبش استقلال طلبانه و تا حد مختصری به دلیل سیستم پلورالیستی سیاسی حاکم بر آنها نفوذ قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند (Silva, 1998).

مداخله دولت در بازار کار تعدادی از کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا که دولت خود را معمار اصلی ثبات و توسعه اقتصادی می‌داند، بسیار وسیع و گسترده بوده است. اغلب کشورهای در حال توسعه یا کشورهایی که به تازگی صنعتی شده‌اند، مداخله دولت در کنترل روابط صنعتی خود را تجربه نموده‌اند. منتهی اهداف مداخله در کشورهای مختلف، تفاوت داشته است.

در کشورهای جنوب آسیا نیروی کار مورد حمایت قرار گرفته و به منافع موسسات صنعتی و بازرگانی توجه کمتری (توسط دولت‌ها) شده است. اما در شرق و جنوب شرقی آسیا منافع مؤسسات، قربانی منافع و علائق حمایت از نیروی کار نگردیده است. البته استانداردهای زندگی کارگران در اقتصاد آنها روز به روز بهبود داشته است، از این رو مداخلات قانونی و اداری حکومتها در کشورهای شرق و جنوب شرقی موجب توسعه فزاینده اقتصادی آنها گردیده و در کشورهای جنوب موجب رکود و کساد اقتصادی آنها شده است. منظور از اعمال محدودیت برای اتحادیه‌های نیروی کار جلوگیری از تضعیف حقوق مدیریت در مؤسسات می‌باشد به طوریکه اعمال این محدودیت‌ها از مواجه شدن راهبردهای سرمایه گذاری و صنعتی سازی با موانع جلوگیری می‌کند.

در سنگاپور و مالزی موارد زیر از امتیازات و حقوق قانونی^۱ مدیریت محسوب شده و از شمول قانون کار و چانه زنی‌های دسته جمعی خارج می‌باشد.

انتقال کارگر^۲.

ارتقای کار^۳.

کاهش هزینه نیروی کار^۴

انفصال از خدمت کارگر^۵

انتصابات شغلی کارگر^۶.

-
1. prerogations
 2. Transfer
 3. promotion
 4. Retrenchment & Redundancies
 5. Lay-off
 6. work-Assignments

در تایوان چانه زنی در زمینه معرفی تکنولوژی جدید امکان پذیر نخواهد بود. در سنگاپور و مالزی موافقت‌های دسته جمعی نیاز به اخذ مجوز از دادگاههای صنعتی دارد که دادگاهها مجازند در صورتی که این مجوزها را مغایر با منافع ملی بدانند از صدور آنها استنکاف نمایند.

در کشورهای کره، ژاپن، تایلند و فیلیپین مداخله دولت در صورتی که منازعات صنعتی وضعیت اقتصاد ملی را دچار مخاطره نماید، مجاز دانسته شده است. بر روی شرایط استخدامی و موارد بسیاری از قانون کار محدودیتهایی برای چانه زنی‌های کارگران قرار داده شده است، به خصوص وقتی که این وضعیت در صنایع پیشگام، پیشرو و جدید در مالزی و سنگاپور تشدید گردیده و اعتصابات کارگری به طرق مختلف محدود شده است. اعتصابات در بسیاری از صنایع اساسی ممنوع و قدغن گردیده، سعی می‌شود به شکل‌های مختلف مانع از بروز اعتصابات شوند و یا تلاش می‌کنند اعتصاب شکل غیر قانونی به خود نگیرد.

در مالزی از طریق فرایندهای مصالحه و میانجیگری^۱ از اعتصابات جلوگیری می‌شود. در کره از طریق مهلت دادن برای مصالحه بین کارگر و کارفرما^۲ از اعتصابات جلوگیری می‌شود. نهادهای مختلفی در کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا ایجاد شده‌اند تا شکایات فردی^۳ را تخفیف دهند (مانند دادگاههای کار) و نیز منازعات دسته جمعی^۴ را حل و فصل نمایند^۵. هدف از تمام رویه‌های فوق این است که نیاز کارفرمایان برای توسل به چانه زنی‌های دسته جمعی را کاهش داده و قدرت کارفرما را برای رقابت جویی افزایش بدهند و محیطی را بوجود آورند که نرخ اتحادیه‌گرایی کاهش پیدا کند. برعکس در کشورهای جنوب آسیا نظیر هندوستان و سریلانکا روی هر چیزی که مربوط به شرایط کار بشود و یا هر وقت اتحادیه‌ها اراده نمایند، چانه زنی‌های دسته جمعی می‌تواند صورت بگیرد و اعتصابات آغاز شود (silva, 1998).

-
1. conciliation and arbitration process
 2. cooling-off period
 3. Individual Grievances
 4. Collective Disputes
 5. (مانند Conciliation And arbitration industrial Courts)

سه ایی ایپارک خاطر نشان می‌سازد: جمهوری کره (کره جنوبی) در آغاز صنعتی شدن نیروی کار آموزش دیده و ماهرى داشته ولی فاقد سرمایه بوده است، به همین دلیل راهبرد دولت بر مبنای ایجاد صنایع کاربر^۱ بنا نهاده شده که سرمایه کمتری نیاز داشت. اما با پدیدار شدن طبقه کارآفرینی که سرمایه برای سرمایه گذاری هم داشت تاکید دولت بر روی سرمایه گذاری روی صنایع سنگین و تکنولوژی بالا^۲ که مهارت بیشتری را هم طلب می‌کرد، تغییر نمود. هدف اصلی سیستم روابط صنعتی کره برقراری صلح صنعتی^۳ بود که مانع وقفه‌های کاری^۴، بشود، هدف دیگر صلح صنعتی ایجاد جو مطلوب در بازار کار بود تا به رشد اقتصادی نایل آید. به همین دلیل در کره به اتحادیه‌های کارگری اجازه داده نمی‌شد تا از طریق آشوب‌های کارگری^۵ وقفه در خط مشی‌های رشد و توسعه دولتی ایجاد نمایند. (Sei - ipark, 1998: 79 - 93)

کازو ساگنو خاطر نشان می‌سازد که ژاپن گفتگو، همکاری و استمرار روابط میان کارگر-مدیریت را از طرق مختلف بهبود بخشیده است. بعضی از رویه‌های ژاپن عبارت بودند از:

تعدیل منازعات کارگری^۶

تأکید روی تأمین شغلی^۷

چانه زنی‌ها^۸

مکانیزم‌های مشورت مشترک^۹

اما ژاپن هم طی یک دهه شاهد خشونت‌ها و درگیری‌های اتحادیه‌ای بود که منجر به پاکسازی جنبش اتحادیه از عناصر چپ گرا گردید. (kazu sugeno 1994-9112)
اسحاق یوسف و رحمان اسماعیل خاطر نشان می‌سازند:

- 1 Labour - intensive
- 2 High- tech
3. Industrial peace
- 4^۱Work stoppages
5. Labour Agitation
6. Labour Dispute Adjudicaton
7. Emphasng Employment security
8. Bargaining
9. Joint consultation mechanisms

افزایش هزینه‌های نیروی کار در سنگاپور و جمهوری کره به دلیل تغییر صنایع کاربر به صنایع سرمایه بر می‌باشد که این خود، کارگران و متخصصین حرفه‌ای را می‌طلبد که از مهارت‌های فوق‌العاده بالایی برخوردار باشند و طبعاً حقوق و دستمزد بیشتری را نیز در بر خواهد داشت. اگر چه هزینه‌های نیروی کار در سنگاپور و کره افزایش فوق‌العاده‌ای داشته است، اما به همین ترتیب بهره‌وری هم در این کشورها بسیار بالا بوده و این دو کشور در داشتن کارگران ماهر مزیت نسبی دارند و به وسیله این کارگران ماهر سرمایه‌های خارجی با تکنولوژی بالا را به داخل کشور جذب می‌کنند. (Ishak yussof and Rahman Ismail: 2002 , 89-107)

البته این نکته را هم در مورد سنگاپور باید خاطر نشان کرد که دولت با یک برنامه ریزی بسیار دقیق و سنگین، تخصص‌های حرفه‌ای و مهارت‌های فنی کارگران خود را افزایش داده و رشته‌های دانشگاهی را به سوی رشته‌های مدیریت و علوم فنی سوق داده است. علیرغم رفاه مادی و دستمزدهای بالا در سنگاپور و کره، روابط صنعتی آنها غیر مشابه با غرب و به نفع کارفرما و یا تولید تنظیم شده و به کارگران آزادی‌های موجود در هندوستان و سریلانکا داده نمی‌شود. کشورهایی نظیر تایلند، سنگاپور، هنگ کنگ و جمهوری کره مقررات ثابت اتحادیه‌ها را مشکل نموده، به این ترتیب اجازه گسترش آنها را نمی‌دهند. (Mitchell , 1998) در حالی که در هند و سریلانکا ثبت اجباری شرکت‌ها به منظور آسان‌سازی گسترش و تکثیر آنهاست.

بعضی از مشخصه‌های سیستم روابط صنعتی در کشورهای در حال توسعه‌ای که از راهبرد «جایگزینی واردات» برای توسعه خود استفاده کرده‌اند.

حمایت از تکثیر اتحادیه‌ها و پلورالیزم در سیستم روابط صنعتی. در ابتدا دولت به عنوان بزرگترین کارفرما خود معمار توسعه بوده و هنوز هم کارفرمای قوی در این کشورها وجود ندارد. ایجاد انحصارات دولتی و خصوصی و اتصال شدید کارفرمایان بخش خصوصی به دولت یا مقامات رسمی و تبانی با آنها (رانت خواری و استفاده از مزایای مونوپولی). آزاد بودن «چانه زنی‌های دسته جمعی» و فرایند «آزادی تشکیل انجمن» و اعتصابات کارگری با این هدف که کلیه پدیده‌های فوق عامل توسعه اقتصادی هستند. سطوح پایین سواد در میان کارگران و تلاش برای ازدیاد سواد کارگران از طریق دموکراسی مانند توسل به پدیده‌های فوق الذکر (حمایت اتحادیه‌ها از سواد آموزی و...). حمایت اتحادیه‌های کارگری از سیاست‌های درونی سازی و مخالفت با پدیده‌هایی نظیر بانک جهانی و W.T.O.

حمایت شدید قانون کار و دولت از نیروی کار و محدود کردن قدرت کارفرمایان از جمله در زمینه اخراج کارگر، خاتمه قرار داد کار، انتقال کارگر و... «هزینه کار» عامل مهمی در تولید محسوب نمی‌شود. توجه شدید به «برابری»، «عدالت اجتماعی»، «مساوات» و توجه کمتر به بهره‌وری، کارایی، رقابت جویی، جهانی شدن و غیره. سیاست زدگی اتحادیه‌ها از طریق داشتن کرسی در پارلمان و اختیارات وسیع در وضع قوانین و حتی بدون تعداد آرای اکثریت^۱. افزایش درصد بیکاری و کاهش رشد اقتصادی به قیمت حمایت از کارگران فعلی و موجود به خاطر کاهش تعداد کار آفرینان و سرمایه‌گذاران و کارفرمایان.

۱. در کشور هندوستان تعدادی از کرسی‌های مجلس اختصاص به کارگران دارد که خود به خود تعداد آراء، احزاب کارگری و قدرت آنان را افزایش می‌دهد. (silva 1997)

بعضی مشخصه‌های سیستم روابط صنعتی در کشورهای در حال توسعه که از راهبرد توسعه صادرات برای توسعه خود استفاده کرده‌اند.

- حمایت از سیستم تک اتحادیه ای که با دولت در برنامه ریزی‌ها همراه باشد.
- جلوگیری از پلورالیزم و تکثیر اتحادیه‌ها.
- در ابتدا دولت به عنوان بزرگترین کارفرما خود معمار توسعه بود ولی به تدریج جای خود را به طبقه کارآفرین (کارفرما) داده است.
- مداخله در امور «چانه زنی دسته جمعی» و فرایند «آزادی تشکیل انجمن» به منظور بر طرف نمودن موانع موجود بر سر راه توسعه اقتصادی کشور.
- جلوگیری و ممانعت از اعتصابات کارگری و شورش تلقی کردن بسیاری از اعتصابات کارگری.
- سطوح پایین سواد در میان کارگران و تلاش دولت برای سرمایه گذاری در H.R.D از طریق سیستم‌های آموزشی سنگین که در بعضی کشورهای نظیر سنگاپور و کره همراه بوده است.
- حمایت اتحادیه‌ها (و بهتر است گفته شود اتحادیه مرکزی) از سیاست‌های توسعه صادرات و افزایش سهم بازار در سطح جهان.
- حمایت شدید قانون کار و دولت از تولید و اعطای اختیار انتقال کارگر، ارتقای کارگر، انفصال از خدمت کارگر، کاهش نیروی مازاد و انتصابات شغلی کارگر به مدیریت و خارج کردن آنها از دستور کار چانه زنی‌های دسته جمعی.
- «هزینه کار» اگر توأم با بهره‌وری باشد عامل مهمی در تولید محسوب نمی‌شود. نیروی کار باید آنقدر ماهر باشد که بتوان سرمایه‌های با تکنولوژی بالا^۱ را بوسیله آنها به داخل کشور جذب کرد. در غیر این صورت هزینه نیروی کار عامل مهمی در تولید محسوب می‌شود که باید کاهش یابد تا F.D.I را جذب کند.
- توجه به رفاه کارگران از طریق دستمزدهای بالا و بهره‌وری و کارایی نیروی کار و عدم توجه به برابری و مساوات که در نظام‌های سوسیالیستی مطرح می‌گردد.
- جلوگیری از فعالیت‌های سیاسی اتحادیه‌ها و محدود کردن آنها به امور چانه زنی و مشورت‌های مشترک، بیشتر در سطح کارگاه.

نتیجه گیری

اگر چه صاحب‌نظران در امر توسعه اقتصادی، راهبردهای فراوان و متعددی را جهت توسعه و رشد اقتصادی، اجتماعی کشورها بیان داشته‌اند، اما دو راهبرد بیشتر از بقیه مورد توجه مسئولین اقتصادی کشورها واقع شده است. یکی راهبرد توسعه صادرات و دومی راهبرد جایگزینی واردات. در این نوشته، ۲۰ کشور منتخب از آسیا و اقیانوسیه

مورد مطالعه قرار گرفتند تا نوع راهبرد توسعه مورد توجه آنها و تأثیر انتخاب راهبرد بر روی وضعیت اقتصادی، اجتماعی این کشورها مشخص شود. کشورهای ۲۰ گانه به ۵ گروه تقسیم شدند. ۲ گروه به عنوان پیرو راهبرد «توسعه صادرات» و ۱ گروه به عنوان پیرو راهبرد «جایگزینی واردات» مورد مطالعه و مذاقه قرار گرفتند.

کشورهای طرفدار راهبرد «جایگزینی واردات» معتقد هستند با اتخاذ این راهبرد کشور از مزایای زیر بهره مند می‌شود:

۱ - با جلوگیری از واردات کالا به داخل کشور از مصرف بی‌رویه کالاهای خارجی کاسته شده و خروج ارز از کشور کاهش می‌یابد.

۲ - زمینه استقلال و خود کفایی اقتصادی در کشور فراهم گردیده، وابستگی کشور به قدرت‌های خارجی، سرمایه‌های مستقیم خارجی F.D.I، شرکت‌های چند ملیتی و شرکت‌های فراملیتی کاهش می‌یابد.

۳ - چون فشار کشورها و شرکت‌های سرمایه‌گذار و سرمایه‌های مستقیم خارجی (F.D.I) برای گرفتن امتیازهای بیشتر از کشور میزبان بوجد نمی‌آید، دولت‌ها مجبور نیستند از طریق تعدیل قوانین، حمایت از طبقه کارگر را کاهش دهند و یکسویه به نفع کارفرمایان قانون وضع نمایند!

۴ - با حمایت دولت‌ها و قوانین از کارگران و افراد ضعیف و بهبود وضعیت کارگران، وضعیت اقتصادی هم بهبود می‌یابد. دولت‌ها باید ابتدا با وضع قوانین ضد تراست، ضد کارتل و حمایت از کارگر^۱، عدالت اجتماعی، برابری در درآمدها، عدم تبعیض در کسب درآمدهای اقتصادی و ... را در جامعه گسترش دهند.

۵ - با کاهش بی‌عدالتی و افزایش عدالت اجتماعی، رضایت شغلی تأمین شده، انگیزه آنان برای افزایش بهره‌وری فزونی می‌یابد و همین امر منجر به توسعه و رشد اقتصادی می‌شود.

۶ - در واقع از دیدگاه طرفداران راهبرد جایگزینی واردات، نیاز چندانی به سرمایه‌های مستقیم خارجی^۲ و استفاده از این سرمایه‌ها نیست. فقط کافی است عزم ملی در داخل کشور پدید آید و پیش شرط بوجد آمدن عزم ملی، رسیدگی به امور کارگران و وضعیت معیشتی آنان است.

1. Labor protection

2. F.D.I

۷ - اگر در جامعه فقر نسبی و عمومی برقرار باشد، بهتر از این است که در آن جامعه عده ای محدود بسیار پردرآمد (فوق العاده سیر) و اکثریت جامعه بسیار کم درآمد (فوق العاده گرسنه) زندگی کنند.

کشورهای طرفدار استراتژی توسعه صادرات معتقد هستند که با اتخاذ این راهبرد، کشور از مزایای زیر بهره‌مند می‌شود:

۱ - با ورود سرمایه‌های مستقیم خارجی و شرکت‌های چند ملیتی به داخل کشور، سرمایه‌گذاری صورت گرفته، ایجاد شغل کرده و بیکاری کاهش می‌یابد.

۲ - با افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش تعداد مشاغل در جامعه، بیکاری و فقر و تنگدستی از جامع رخت بر می‌بندد.

۳ - از طرف دیگر دولت‌ها با اخذ مالیات از سود سرمایه‌های وارد شده می‌توانند به گسترش عدالت اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی کمک نمایند.

۴ - مجموعه این سرمایه‌گذاری‌ها و مالیات‌ها منجر به افزایش استاندارد زندگی، بهبود کیفیت زندگی کاری^۱ و در نهایت افزایش رفاه کارگران می‌شود که مفهوم واقعی عدالت اجتماعی همین است.

۵ - با اتخاذ این راهبرد، ممکن است دولت‌ها مجبور شوند قوانین و مقررات مربوط به حمایت از کارگران را به دلیل افزایش قدرت رقابت جویی کارفرمایان، کاهش دهند و این موجب نوعی فشار به طبقه کارگر شود ولی از طرف دیگر به دلیل افزایش تقاضا برای کارگر (بخصوص کارگران ماهر و متخصص) در بازار کار وضعیت رفاهی و درآمدی کارگران بهبود می‌یابد.

در مجموع استدلال هر یک از دو گروه، پیرامون افزایش رفاه اجتماعی و توسعه اقتصادی به گونه ای است که در مقام تئوری به سختی می‌توان گزینه خاصی را برتر و بهتر محسوب نمود و فقط در مقام عمل و اجراست که می‌توان به کارکرد این راهبردها توجه نمود. تجربه عملکرد کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه در دهه اخیر نشان داده است که تا کنون (سال ۲۰۰۳ میلادی) استفاده کنندگان از راهبرد توسعه صادرات توانسته‌اند از سرمایه‌های مستقیم خارجی^۲ برای افزایش درآمد ملی، درآمد سرانه و ...

1. Q.W.L

2. F.D.I

استفاده نمایند، وضعیت رفاهی کارگران، کیفیت زندگی کاری آنان^۱ و استاندارد زندگی را در کشور خود افزایش داده و تعداد افرادی که زیر خط فقر بودند را کاهش دهند. کشورهایی چون سنگاپور، مالزی و اندونزی توانسته‌اند با سرمایه گذاری روی منابع انسانی خود و تبدیل آنها به سرمایه‌های انسانی^۲ سرمایه‌های بیشتری را به کشور خود جذب نموده و با افزایش ارزش افزوده کالاها و خدمات، درآمد بیشتری را نصیب آحاد مردم جامعه خود سازند. به تعبیر دیگر تأمین سرپناه برای کارگران و افزایش حقوق و دستمزد در این کشورها، به دلیل افزایش تقاضا برای نیروی کار در این کشورها صورت گرفته است. به طوری که اغلب این کشورها دچار کمبود نیروی کار^۳ گردیده و مهاجرت نیروی کار از کشورهای اطراف خود را شاهد هستند.

در مقابل کشورهای گروه جنوب آسیا (هندوستان و سریلانکا ...) که بیشتر از راهبرد جایگزینی واردات استفاده نموده‌اند، علیرغم وجود سیستم پلورالیزم سیاسی و دفاع از حق و حقوق کارگران (از طریق قانون گذاری) و وضع قوانین کار حمایت گرایانه از کارگر، به دلیل عدم جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی (و در مواردی فرار سرمایه‌های داخلی) نتوانسته‌اند زمینه اشتغال و رفع بیکاری را در جامعه خود به خوبی فراهم نمایند. در نتیجه علاوه بر افزایش نرخ بیکاری، استاندارد زندگی و کیفیت زندگی کارگران آنها هم در مقایسه با کارگران مالزیایی و اندونزیایی بالا نرفته است. به تعبیر دیگر در حالی که هدف اصلی این گروه از کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه تأمین عدالت اجتماعی بوده است، کمتر به این مهم دست یازیده‌اند.

این بررسی وضعیت حاضر را اینگونه به تصویر می‌کشد، اینکه در آینده چه روندی ایجاد می‌شود و آیا سرمایه‌های مستقیم خارجی^۴ یا شرکت‌های چند ملیتی، چراغ کشورهای «معجزه گران اقتصادی» و «ببرهای اقتصادی» را تا صبح روشن نگه می‌دارند؟ یا خیر، باید به انتظار آینده نشست.

1. Q.W.L

2. Human Capital

3. Labor Shortage

4. F.D.I

منابع و مأخذ

1. Islam , Rizwanul (1997): Economic Development In Asia and the pacific In the 21 st century: Issues and challenges
[http:// www. I.L.O. Org / public /...](http://www.I.L.O.Org/public/...)
- 2.khan , A.R.(1994): overcoming unemployment. I.L.O,Geneva.
- 3.krugman , paul (1994): "the myth of Asia,s miracle", Foreign Affairs , VOL. 13, November / December
- 4.Macdonald , David (1997): Industrial Relations and Globalization , ILO-ARTEP , Bangkok
- 5.silva , S.R.de (1998): Elements In the shaping of Asian Industrial Relations.
[http:// www. I.L.O Org / public /...](http://www.I.L.O.Org/public/...)
- 6.Boo Tan, peng (1996):Human Resource Development In Asia and the pacific In the 21 st century ,papar presented at the . I.L.O workshop , turin Italy , 5-13 may 1997
7. silva , S.R.de (1997) Human Resource Management , Industrial Relations and Achieving Management objectives , [http:// www. I.L.O Org / public /...](http://www.I.L.O.Org/public/...)
- 8.Ishak yussof and Rahman Ismail , (2002) , Human Resource Competitiveness and Inflow of foreign Direct Investment to the Asian Region
- 9.Kuruvilla , s and Venkatarantam , cs (1995): Economic Development and Industrial Relations: the cass of south and southeast Asia , In industrial Relations Journal Vol.27 pp:11-22
- 10.schwella , Erwin (2002): Globalization and Human Resource Management , school of public Management , university of Stellenbosch south Africa , [http:// Google . Advanced search](http://Google.Advancedsearch)
- 11.Deyo , Frederick (1980): Beneath the Miracle: Labor Subordination In East Asian Development (university of California prss, Bereley , U.S.A , 1989).
- 12.walwei , Ulrich (2001): High Employment and social security:Vision or illusion in a globalized world? International social security Review , Vol.54 , 1/2001 pp: 19-39